



گریه

کلید واژه: گریه، عزای امام حسین، گریه شیعه، عزاداری.
پرسش: علت گریه زائران به خصوص ایرانیان در کنار بقیع چیست؟
پاسخ: گریه‌ی شیعیان در کنار بقیع و در عزای امام حسین اولاً یک امر طبیعی و انسانی است و ثانیاً به منظور دست یابی به اهدافی است که بیان می‌شود و چنین گریه‌ای مورد تأیید قرآن و روایات می‌باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - ماهیت گریه
- ۲ - اقسام گریه
 - ۲.۱ - گریه ناشی از علاقه
 - ۲.۱.۱ - منظور از داغ دیدگی
 - ۲.۲ - گریه ناشی از اعتقادات
 - ۲.۲ - گریه ناشی از فضیلت طلبی
 - ۲.۴ - گریه بر مظلوم
 - ۲.۵ - گریه از روی عجز و زبونی
 - ۲.۶ - گریه شوق
 - ۲.۷ - گریه فراق
 - ۲.۸ - گریه رحمت و رأفت
 - ۲.۹ - گریه تزویر و دروغ
 - ۳ - جهت‌گیری گریه
 - ۳.۱ - هدف گریه ائمه اطهار
 - ۳.۲ - هدف گریه حضرت فاطمه
 - ۳.۲ - هدف گریه شیعه در کنار بقیع
 - ۳.۴ - هدف گریه شیعه بر اهل بیت
 - ۳.۴.۱ - گریه فراق
 - ۳.۴.۲ - گریه شوق
 - ۳.۴.۲ - گریه عاطفی
 - ۴ - آثار گریه از بعد درونی
 - ۴.۱ - ایجاد آرامش
 - ۴.۱.۱ - مثال برای گریه موجب آرامش
 - ۴.۲ - تقویت شناخت
 - ۴.۲ - آمادگی رفتاری
 - ۴.۴ - همانند سازی
 - ۴.۵ - افزایش محبت
 - ۴.۶ - رشد عاطفه
 - ۵ - آثار گریه از بعد بیرونی
 - ۵.۱ - اعلان جنگ با ظلم
 - ۵.۲ - احیای مکتب اسلام
 - ۶ - دیدگاه امام خمینی در مورد گریه بر امام حسین
 - ۷ - دیدگاه شهید مطهری در مورد گریه بر امام حسین
 - ۸ - پانویس
 - ۹ - منبع

ماهیت گریه

گریه از دو بخش تشکیل شده است، ظاهر و باطن، ظاهر آن امر فیزیولوژیک است و باطن آن تأثرات درونی و عاطفی، که از طریق محرک‌های بیرونی یا درونی مثل تفکر، حاصل می‌شود؛ با تأثرات عاطفی، بخشی از مغز فعال می‌شود و غدد اشکی چشم را فرمان می‌دهد که فعالیت کند و این جاست که قطرات اشک از چشم سرازیر می‌گردد.
و اما باطن گریه (تأثرات عاطفی) عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد، از این رو، گریه نیز اقسام گوناگونی خواهد داشت.

اقسام گریه

← گریه ناشی از علاقه

گریه‌ی ناشی از علاقه‌ی طبیعی انسان به خود و متعلقات خود: این نوع گریه به هنگام داغ دیدگی و بی‌اختیار حاصل می‌شود و به گذشته نظر دارد. شخص در

اثر فقدان چیزی که بدان علاقه‌مند بوده، متأثر می‌گردد و به اصطلاح **عوام**، **عقد‌هایش** گشوده می‌شود و **اشک** می‌ریزد. [۱]

← منظور از داغ دیدگی

داغ دیدگی حالتی است **روانی** و درونی که شخصی و غیر **اختیاری** می‌باشد و البته گاهی ناگهانی است مثل آنچه که در اثر شنیدن **مرگ** و از دست دادن یکی از بستگان در تصادف، برای انسان حاصل می‌شود و زمانی هم با آمادگی قبلی می‌باشد. [۲]

← گریه ناشی از اعتقادات

گریه‌ای که ریشه در **اعتقادات** دارد، مثل آنچه که در **مناجات** حاصل می‌شود. **انسان** خود را در محضر **خدا** می‌باید و خود را **گناهکار** و **رفتار** و **کردار** خود را ضبط شده، می‌بیند، از این روی متأثر می‌گردد **امام سجاد** (علیه السلام) می‌فرماید: «محبوب‌ترین اشک آن اشکی است که **مخلصانه** در **تاریکی شب** برای **ترس از خدا** ریخته شود؛» و یقیناً چنین اشکی ریشه در نوع اعتقادی دارد که ما به **خدا** و **جهان آخرت** داریم. [۳]

این نوع گریه ناظر به حال و آینده است و البته بی‌ارتباط با گذشته هم نیست و از این قبیل است گریه **پشیمانی** و **توبه**.

← گریه ناشی از فضیلت طلبی

گریه‌ای که از **فضیلت طلبی** و **کمال** خواهی ناشی می‌شود، مثل گریه‌ای که در فقدان **معلم** و **مربی اخلاق** و **امام** (علیه السلام) و **پیامبر** (صلی الله و علیه و آله) رخ می‌دهد و این بدان جهت است که ما در عمق وجودمان **کمال** را **تحسین** می‌کنیم و از بودن آن کمالات به وجد می‌آیم و از فقدان آن **ناراحت**. در آیه ۹۲ **سوره یوسف** در وصف عده‌ای می‌فرماید: «آنان در حالی‌که از شدت اندوه اشک از چشمانشان فرو می‌ریخت برمی‌گشتند که چرا چیزی نمی‌باید تا با آن در **راه خدا** جهاد کنند». [۴]

ام ایمن بعد از **وفات** پیامبر (صلی الله و علیه و آله) گریه می‌کرد، **خلیفه‌ی دوم** از او پرسید چرا گریه می‌کنی؟ مگر نه این است که **رسول خدا** (صلی الله و علیه و آله) در پیشگاه خداست؟ او پاسخ داد: گریه‌ی من به خاطر آنست که دست ما از **وحی** کوتاه شده است. [۵]

← گریه بر مظلوم

انسانی که **قلبش** از **سنگ** نمی‌باشد، با دیدن منظره‌ی **کودک یتیمی** که در آغوش مادرش در یک **شب** سرد زمستانی، از فراق **پدر**، جان می‌دهد به لرزه می‌آید. و آن قلبی که سرشار از **عواطف انسانی** است با شنیدن حادثه‌ی جان سپردن طفلی **شیر خوار** در آغوش پدر و سیراب شدن از خون گلو، به طپش می‌آید و شراره‌های آتشین خود را به صورت قطره‌های اشک به خارج پرتاب می‌کند، به خاطر آن است که از **ظلمی** که بر **مظلوم** وارد می‌شود، **متأثر** می‌گردد.

← گریه از روی عجز و زبونی

گاهی انسان به خاطر فقدان چیزی یا تلخ کام شدن از تجربه‌ی یک شکست، احساس **عجز** و **زبونی** نموده و در نهایت متأثر می‌گردد و دلایله‌ی گریه می‌کند. این گریه، گریه‌ی افراد ضعیفی است که از رسیدن به **هدف** خودشان وامانده‌اند یا در دست یابی به هدفشان ناتوان می‌باشند. ظاهراً **صائب تبریزی** در بیت: گریه‌ی شمع از برای ماتم پروانه نیست **صبح** نزدیک است و در فکر شب تار خود است. به این نوع از گریه اشاره دارد.

← گریه شوق

مثل گریه‌ی مادری که از دیدن فرزند گم شده‌ی دلیندش، بعد از سالها دوری و چشم انتظاری، بر گونه‌های او جاری می‌گردد و یا گریه‌ی شادی **عاشق** پاک بازی که پس از یک عمر محرومیت، **معشوق** خود را می‌یابد. آن گاه که **جعفر بن ابی طالب** از **حبشه** به **مدینه** آمد، **رسول خدا** (صلی الله و علیه و آله) به استقبال او رفت و "یکی فرحاً برویته". [۶]

← گریه فراق

مثل گریه‌ی **عاشقی** که از **هجرات** و یا **فقدان** محبوب خود به فغان آمده است یا از سپری شدن روزگار **وصل** نالان است. زگریه مردم چشم نشسته در **خون** است بین که در طلبت حال مردمان چون است از آن دمی که زچشمم، برفت یار عزیز کنار دامن من، همچو رود جیحون است "حافظ"

← گریه رحمت و رأفت

بنابر گفته‌ی **دانشمندان**، یکی از ابعاد وجودی **انسان**، **بعد عاطفی** است و انسانی که از **عاطفه** و **مهرورزی** تهی است، بویی از **انسانیت** نبرده است و از این رو کسی که در طول **عمر** خود حتی برای یک بار هم بوسه‌ای از روی **مهر پدری** بر گونه‌های فرزندش نزده بود، این گونه مورد **عتاب** پیامبر (صلی الله و علیه و آله) قرار گرفت که: "من لایرحم لایرحم" [۷]. و آن زمان که در **مرگ** فرزندش "**ابراهیم**" گریه کرد، در جواب عده‌ای که از علت گریه‌ی آن حضرت پرسیده بودند، فرمود: "لیس هذا بکاء (غضب) انما هذه رحمة و من لایرحم لایرحم". [۸]

← گریه تزویر و دروغ

که از آن به "اشک تمساح" هم یاد می‌شود.

جهت‌گیری گریه

تمام انواع گریه می‌تواند جهت‌گیری **سیاسی** یا **فرهنگی** و **دینی** داشته باشد.

← هدف گریه ائمه اطهار

امامان معصوم (علیهم السلام) از گریه در زمانی که امکانات **تبلیغات** از آنان گرفته شده بود به عنوان **جنگ سرد** بر علیه طبقه **حاکم** استفاده می‌کردند. گریه‌ی آنها به منظور طرح این سؤال بود که چرا این بزرگواران این همه ناراحت اند! مگر امر اندوه‌زایی پیش آمده است؟ و از همین روست که آنها برای بیان واقعیت **دستورات اسلامی**، و **آگاهی** دادن به انسان‌ها و **بیداری** آنان و **افشا** نمودن باطن **ظالمان** و **غاصبان**، اشک می‌ریختند.

← هدف گریه حضرت فاطمه

سرّ گریه‌هایی که از یگانه **دختر پیامبر** (صلی الله و علیه و آله) در **تاریخ** گزارش شده است، نیز در راستای گریه **ائمه** (علیهم السلام) بود. او روزها دست **حسنینش** را می‌گرفت و در کنار دروازه‌ی **مدینه** در سایه‌ی درختی، به گریه می‌پرداخت. آنهایی که از آن جا می‌گذشتند، در **ذهنشان** این سؤال مطرح می‌شد که چرا **فاطمه** گریه می‌کند؟ مگر چه شده؟ مگر پدرش در **حقیق** نفرموده که **خشم** فاطمه، خشم من است؟ "فاطمه بضعة منی من سرّها فقد سرتی و من ساءها فقد سائنی، فاطمة اعز الناس علی" [۹] [۱۰] «ان الله لیغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضائها». [۱۱] [۱۲] «فاطمه قلبی و روحی التی بین جنبی فمن آذاها فقد آذانی». [۱۳]

پس از **خشم** کیست که گریه می‌کند؟ و در چنین فضایی بود که حضرت با سخنان آتشین خود **مردم** را از **حقایق** آگاه می‌کرد. از این روی بود که **شبانه** آمدند و آن **درخت** را بریدند، ولی بلافاصله **علی** (علیه السلام) سایه‌بانی برای آن بانوی **اسلام** آماده می‌کند و این کار ایشان که حاضر می‌شود همسرش در مسیر مسافران بنشیند و **گریه** کند و او را در این راه کمک می‌کند، ما را به **راز** بزرگ سیاسی که گفته شد، **هدایت** می‌کند و بدین سبب است که ما معتقدیم: اشک‌های فاطمه پشتوانه‌ی **شمشیر علی** (علیه السلام) بود.

← هدف گریه شیعه در کنار بقیع

بقیع یادآور حزن‌های فاطمه است، یادآور مصیبت‌هایی است که آن بانوی بزرگوار **اسلام** و امامان **شیعه** (علیهم السلام) در راه حفظ **اسلام** متحمل شدند. حزن و **اندوه** و گریه‌ی شیعه در کنار بقیع همانند **حزن** یک کودک نیست که به خاطر از دست دادن اسباب بازی خود گریان می‌شود و حتی با حزن یک فرد بالغ

که به خاطر از دست دادن مال و یا... پدید می‌آید تفاوت دارد، این حزن، حزنی است که از **رشد و تکامل اجتماعی** شیعه، حکایت دارد، این اندوه، اندوه **ظلمی** است که بر **حق** روا داشته‌اند، و گریه‌ای است که نشانگر **کمال** خواهی شیعه است.
در حقیقت گریه‌ی ما از سوئی برای **ائمه** است و از سوئی برای خود؛ مگر آن عزیزان گناهشان چه بود که می‌بایست آن همه **ظلم و ستم** را تحمل کنند؟ مگر **مودت** آنها **مزد رسالت** نبود؟ چرا عده‌ای نگذاشتند که ما عطش خود را از سرچشمه‌ی **حکمت** آن عزیزان سیراب سازیم؟ به هر حال **گریه شیعه**، **گریه بر مظلوم** است و از **فضیلت طلبی** ناشی می‌شود و ریشه در **اعتقاد** دارد.
البته این چنین حزنی درگیری اجتماعی و **تبری** و **تولی** را هم به دنبال دارد یعنی این گونه نیست که چنین حالتی موجب خمودی و **سستی** شود، بلکه اسباب تحرک اجتماعی را فراهم می‌سازد.

← هدف گریه شیعه بر اهل بیت

گریه ی شیعه از نوع گریه‌ی عجز نیست؛ چرا که معتقدیم:
اظهار عجز پیش ستمگر روا مدار
اشک کباب باعث طغیان آتش است

← گریه فراق =

این گریه می‌تواند گریه‌ی **فراق** باشد همان گونه که در خطاب به **سالار شهیدان** این گونه می‌گوییم: "یا لیتنی کنت معکم فافوز فوراً عظیماً". [۱۴]
در **زیارت وارث** خطاب به **شهادا** می‌خوانیم: « و فرتم فوراً عظیماً فیالیتنی کنت معکم فافوز معکم»، بخدا **قسم** شما را به **رستگاری** بزرگی رسیدید، کاش من هم در رکاب شما بودم و بدان رستگاری بزرگ نایل می‌شدم. [۱۵]
حضرت یعقوب از **فراق فرزند خویش** آن قدر **گریه** کرد که چشمانش **نابینا** شد، **امام سجاد** (علیه السلام) در پاسخ به کسانی که از زیادی گریه‌ی آن حضرت پرسیده بودند، فرمود: « **یعقوب** در **فراق** یکی از پسران خود آن قدر گریست که از **اندوه** چشمانش نابینا شد، با این که می‌دانست **یوسف** زنده است و من چگونه محزون نباشم...». [۱۶]

← گریه شوق =

و یا ممکن است گریه‌ی **شوق** باشد. مثلاً انسانی از مشاهده‌ی **رشادت‌ها** و **شجاعت‌ها** و **آزادمردی‌ها** و سخنانی‌های آتشین مردان و زنان به ظاهر **اسیر**، تحت تأثیر قرار گیرد و گریان شود.

← گریه عاطفی

و یا احتمال دارد گریه صرفاً عاطفی و از روی **رحمت** باشد؛ آیا ممکن است انسانی، آن همه **جنایت** را که در **واقعه کربلا** انجام گرفت بشنود و قطره‌ی اشکی بر گونه‌هایش جاری نگردد؟

آثار گریه از بعد درونی

← ایجاد آرامش

گریه نوعی **هیجان درونی** است و اگر از باب **تزویر** و یا از روی **عجز** نباشد **آرامش** روحی را به دنبال دارد که در واقع، جلای **قلب** را موجب می‌شود.
این تخلیه‌ی هیجانی به چرخه‌ی متعالی فرد مربوط می‌شود، **انسان** می‌خواهد در اوج **کمال** باشد، اما این گونه نیست؛ این را **درک** می‌کند و هیجانی می‌شود. می‌خواهد **ظلم** و **سستی** در بین نباشد، اما هست؛ آن را می‌بیند و متأثر می‌شود.
و آنانی که در مجالس عزایی شرکت می‌کنند که چنین صیغه‌ای دارد، خود معترف اند که **احساس** خاصی به آنها دست می‌دهد و این نیست مگر این که **غم** و **اندوه** حاکم بر این مجالس از سنخ **غم آخرت** و **مظلومیت** مظلومان است.

← منال برای گریه موجب آرامش

گاهی گفته می‌شود که مراسم **عزاداری در ایران**، **افسردگی** را به دنبال دارد، مراسم **عزاداری** نه تنها استرس را نیستند بلکه نقش استرس زدایی را بر عهده دارند و هیچ یک از نشانه‌های افسرده‌خویی را ایجاد نمی‌کند.
البته این **تحلیل** بر مبنای نگاه و **تحلیل مادی** به مراسم عزاداری می‌باشد و اما از نگاه **اسلام** و **تحلیل معنوی** حتی موارد یاد شده در پیشین هم نباید **روح** فرد را به تلاطم وا دارد و موجب **استرس** شود چرا که او به **خدا** معتقد است و او را **رازق** می‌داند و به او **توکل** می‌کند و به **فضا** و **قدر** او راضی است.
در حقیقت رابطه‌ی معکوس دارد و نشاط آفرین می‌باشد و نه تنها عامل نابهنجار در زندگی افراد نیست، بلکه در مواردی نقش درمانی ایفا می‌کند.
مولوی می‌فرماید:

گریه بر هر **درد** بی درمان دواست چشم گریان چشمه ی **فیض** خداست
گریه مروارید بحر **رحمت** است دیده‌ی گریان کلید **جنت** است
تا نگرید **ابر** کی خندد چمن تا نگرید **طفل** کی نوشد لبن
تا نگرید کودک حلوا فروش دیگ بخشایش نمی‌آید به جوش

← تقویت شناخت

هیجان‌ها و تأثرات روحی، در بعد شناختی هم اثر گذاشته و **کنج‌کاوی** و **درک** فرد را در موضوع مورد نظر **تقویت** می‌کند.

← آمادگی رفتاری

با تقویت **عواطف** و **شناخت**، آمادگی رفتاری فرد به تناسب آن شناخت‌ها و عواطف بیشتر می‌شود.

← همانند سازی

از دیگر اثرات گریه این است که باعث همانند سازی با آن افراد و موضوعات مورد علاقه می‌شود.

← افزایش محبت

علاقه و **محبت** فرد را نسبت به موضوع مورد نظر افزایش می‌دهد. البته بسیار روشن است که تأثرات روحی، بیانگر وجود پیوند عاطفی با فرد مظلوم می‌باشد، چه این که **انسان** از **مصیبت** بیگانه و **غمی** که بر او وارد آمده است، **متأثر** نمی‌گردد.

← رشد عاطفه

انسان کامل آن انسانی است که همزمان، تمام ابعاد وجودی‌اش، **رشد** کرده باشد و از **عاطفه** و **نیروی تفکر** و شناخت قوی بهره‌مند باشد.
گریه نیز عاملی است برای **رشد** عاطفه و هم حاکی از روح لطیف و قوت عاطفه. هم افزایش دهنده است و هم نمایش دهنده.
از این جاست که می‌توان فهمید چرا آن گاه که **حضرت علی** (علیه السلام) با خبر شد در حکومتش به یک زن **یهودی ظلم** شده و خلخال از پایش ربوده‌اند، فرمود: "اگر کسی از این غم بمیرد، سرزنشی بر او نیست". [۱۷]

آثار گریه از بعد بیرونی

گریه از بعد **اجتماعی** و **سیاسی**، **تولی** و **تبری** را در پی دارد و عاملی است برای تحرکات اجتماعی و سیاسی.
از این روی **حکومت‌های** ستمگر از اقامه‌ی عزای **سالار شهیدان کربلا** ممانعت به عمل می‌آوردند.

← اعلان جنگ با ظلم

گاهی قطره‌های **اشک** پیام آور هدف‌هاست، آنها که می‌خواهند بگویند با **مرام امام حسین** (علیه السلام) و اصحابش همراه و با **هدف** آن عزیزان هماهنگ هستیم، این کار را گاهی با شعارهای آتشین و **سرودن اشعار** و حماسه‌ها ابراز می‌دارند و گاهی با وسایل دیگر.
اما ممکن است همه از روی **ریا** و **تزویر** باشد، ولی آن کس که احیاناً با شنیدن این حادثه‌ی جانسوز، قطره‌ی اشکی از درون دل می‌ریزد صادقانه‌ترین این

حقیقت (اعلام وفاداری به اهداف مقدس امام(علیه السلام) و یارانش) را بیان می‌کند، و این همان پیوند دل و جان با آنها و اعلان جنگ با ظلم و ستم می‌باشد. البته روشن است که چنین گریه‌ای بدون آشنایی با اهداف پاک آن عزیزان میسر نیست.

← احیای مکتب اسلام

گریه‌ای که شیعه بر مظلومیت معصومین (علیهم السلام) و از جمله فاطمه زهرا (علیها سلام) و ائمه‌ی مدفون در بقیع و امام حسین(علیه السلام) می‌کند باعث شده است تا اسلام ناب محمدی حفظ گردد. گریه بر ظلم‌هایی که بر ائمه رفته، موجب می‌شود تا همیشه این داغ تازه بماند و دیگر کسی نتواند همچون غدیر خم واقعه‌ی عاشورا و... را انکار کند و احیای عاشورا؛ یعنی احیای مکتب اسلام؛ زیرا آن امام (علیه السلام) برای حفظ اسلام قیام کرده بود.

دیدگاه امام خمینی در مورد گریه بر امام حسین

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

"سید الشهداء را این گریه‌ها حفظ کرده است و... هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا پایش گریه‌کن نباشد... حفظ نمی‌شود". [۱۸]

"زنده نگه داشتن عاشورا یک مسأله‌ی بسیار مهم سیاسی عبادی است". [۱۹]

دیدگاه شهید مطهری در مورد گریه بر امام حسین

شهید مطهری در این باره می‌گوید: جوانی از من پرسید: اگر بناست مکتب امام حسین (علیه السلام) احیا شود، آیا ذکر مصیبت آن امام هم ضرورتی دارد؟ گفتم بله، دستوری است که امامان به ما داده‌اند و این دستور، فلسفه‌ای دارد و آن این که هر مکتبی اگر چاشنی‌ای از عاطفه نداشته باشد و صرف مکتب فلسفه و فکر باشد، آن قدر در روح ما نفوذ ندارد و شانس بقا ندارد، ولی اگر چاشنی عاطفه داشته باشید، این عاطفه به آن حرارت می‌دهد... بدون شک مکتب امام حسین (علیه السلام) منطق و فلسفه دارد، درس است، باید آموخت، اما اگر دائماً این مکتب را صرفاً به صورت فکری بازگو کنیم، حرارت و جوشش گرفته می‌شود و اساساً کهنه می‌گردد. [۲۰]

پانویس

- ↑ ره توشه راهیان نور، مرکز آموزش‌های تخصصی باقر العلوم، ش ۴۶، ص ۲۳۵-۲۵۴.
- ↑ ره توشه راهیان نور، ش ۴۶، ص ۲۲۵-۲۵۴.
- ↑ بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۹ باب فضل الکاء. [۲۱]
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۹۲. [۲۲]
- ↑ دلایل النبوة، بیهقی، ج ۷، ص ۲۶۶.
- ↑ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۴. [۲۳]
- ↑ میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۰۴۴. [۲۴]
- ↑ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱. [۲۵]
- ↑ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳. [۲۶]
- ↑ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۵۴.
- ↑ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱.
- ↑ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹. [۲۷]
- ↑ بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۶۰. [۲۸]
- ↑ مفاتیح الجنان، ص ۷۷۹.
- ↑ مفاتیح الجنان، ص ۷۸۷.
- ↑ حلیة الاولیاء، به نقل از ترجمه‌ی کتاب اعیان الشیعه، سید محسن امین، ص ۷۲.
- ↑ نهج البلاغه، ج ۲۷، ص ۹۵.
- ↑ صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۹-۷۲. [۲۹]
- ↑ صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۶. [۳۰]
- ↑ سیری در سیره‌ی نبوی، ص ۵۸. [۳۱]

منبع

اسلام کوئیست. [۳۲]

رده‌های این صفحه: کلام | توسل | عزاداری